

درباره نخستین حراج کریستیز لندن

## فروش نرفتن یک اثر دلیلی بر ناموفق بودن آن نیست

برگزاری نخستین حراج خاورمیانه کریستیز در لندن دارای ابعاد مثبت و منفی است. به نظر من برگزاری این حراج معتبر در لندن باعث می‌شود که بخش مهمی از هنرمندان و گالری داران ایرانی که هرساله به خاطر این رویداد به دویی می‌رفتند از آن محروم شوند.به نظر می‌رسد که سیاست داخلی و مدیریت کریستیز به نحوی است که سعی دارد مشارکت خاورمیانه و گالری‌داران این بخش را کاهش دهد به همین خاطر این حراج مهم به لندن منتقل شده است زیرا ظاهراً این استقبال از سوی هنرمندان و هنردوستان شرقی به مزاج آنها خوش نیامده است، اما نمی‌توان این مسأله را نادیده گرفت که برگزاری این رویداد مهم در لندن نوعی ارتقای سطح هنر را در پی خواهد داشت زیرا کارها برای حضور در این اتفاق گزینش جدی شدند و به نوعی از کنکور ورودی گذشتند.

در گذشته کارهایی که حتی در ایران نیز فروش نمی‌رفت براحتی وارد حراج کریستیز در دویی می‌شد و حتی به فروش می‌رفت و از همین روی این گزینش متفاوت کارها در لندن بسیار قابل توجه است. اینکه برای پذیرفتن کار هنرمندان نامی، اثر را درون یک مجمع مورد بررسی قرار داده‌اند، نشان می‌دهد که سختگیری‌های زیادی در این عرصه وجود دارد؛ برای مثال وقتی اثر من در کریستیز لندن پذیرفته شد، آنها مصاحبه‌ای طولانی را برای من فرستادند تا به سوالات آن جهت انتشار در کاتالوگ پاسخ دهم ضمن اینکه نقد منتشرشده بر کارم را نیز برابم ایمیل کردند و از همین روی می‌توان امیدوار بود که سطح کیفی کارها با افزایشی چشمگیر مواجه شود. در واقع می‌توان گفت روند کار حراج کریستیز در لندن رسمی‌تر است و من آن را بیشتر می‌پسندم.

من برای اثر «طاووس» که در این دوره از کریستیز حضور دارد، بالغ بر ۳ ماه کار مداوم داشتم. در این اثر با نگاهی تلوییحی و اشاره‌ای سعی کردم چرخش‌ها و رفت‌وآمدهایی را با استفاده از موج‌ها و تار مو ایجاد کنم و خودم آن را جزو کارهای برترم به حساب می‌آورم. البته این اثر از ابتدا برای حراج کریستیز طراحی نشده بود و به یک مشتری داخلی تعلق داشت؛ اما به دلایل مختلفی این مسأله منتفی شد و من تصمیم گرفتم که کار به حراج کریستیز ارائه شود. حال نگران فروش یا فروش نرفتن آن نیستم چون بر این اعتقادم که فروش نرفتن یک اثر دلیلی بر ناموفق بودن آن نیست؛ همان‌طور که در دوره‌های قبل بسیاری از آثار مهم من به فروش نرفت و موزه متروپلیتن نیویورک آن را خواست و گاهی آثاری نیز توانست به فروش رود.

نقاشیخط در نگاه عمومی مختص به ایران نیست زیرا این عرصه یک‌زبان گرافیکی با استفاده از تلویح و اشاره را در دل خود دارد به همین خاطر تمام دنیا با هر زبانی امکان ارتباط برقرار کردن با این هنر را دارد. من مدت زمان زیادی را صرف آموختن زبان اشاره ناشنویان کردم چرا که این زبان اشاره به من کمک می‌کند که بتوانم تصویرسازی بهتری را با استفاده از تلویح و اشاره ارائه کنم تا برای تمام دنیا قابل درک باشد.

### یادداشت



نصرالله افجه‌ای

.....

گالری‌های حرفه‌ای و بزرگ آثارشان عرضه شده باشد، آنها می‌گفتند وظیفه کریستیز نیست که این جوان‌ها را وارد مارکت کند، جوانان باید چنان رزومه‌ای یابند که انتخاب شدن خود را تحمیل کنند و خریدار را دنبال خودشان بکشند. لذا وقتی دیدیم کاتالوگ پر شده از جوان‌های نو آمده که بازار ظرفیت پذیرش شان را ندارد بهتر دیدیم فعلاً استراتژی مان را عوض کنیم.»

ناگفته نماند در این میان «فرهاد مشیری» یک استثناست؛ هنرمند معاصری که به پنجاه سالگی نرسیده اما فروش بسیار آثارش و حتی کسب رکورد یک میلیون دلاری از او یک چهره باثبات ساخته است و از این رو کسی تعجب نمی‌کند با دواثر کاسه و کوزه معروفش در لندن حاضر است.

### هنرمعاصر در اقلیت

کیست که نداند مارکت هنر دنیا روی کاکل هنر مدرنیستی می‌چرخد و همچنان فاصله بهترین و پیشروترین



عکس وب سایت حراج کریستیز

# لندن، نردبان تازه هنر ایران

## پس از حراج امارات، ایران در کریستیز لندن نیز حضوری قابل توجه داشت

شعبه قریانی

**چهارشنبه شب گزیده‌ای از هنر ایران به همراه برشی از بهترین‌های خاورمیانه در دفتر مرکزی «حراج خانه کریستیز» در لندن به نمایش گذاشته شد و از ساعت هفت عصر ۲۵ اکتبر چکش خورد. کریستیز خاورمیانه پس از بیست و دو دوره برگزاری در دویی، تازه‌ترین حراجی خود را در لندن، در «شو‌روم» اختصاصی این حراجی معتبر بین‌المللی برگزار کرد. به نظر می‌رسد، این اتفاق برای هنر خاورمیانه یک فرصت کم‌نظیر است؛ درست است که حراجی‌های ساتنیز و بونام هم در چند سال اخیر بارها چنین کاری کرده‌اند؛ اما برند کریستیز، حضور مستمرش در یک دهه اخیر در قلب خاورمیانه و تأسیس دفتر در دویی برای این حراجی در لندن را به یک نقطه عطف بدل کرده است و حالا این امیدواری وجود دارد که مجموعه‌داران بزرگ و حتی موزه‌های معتبر اروپایی و امریکایی جهت ارائه این مجموعه با تمرکز ویژه‌ای هنرمندان این منطقه را زیر ذره بین ببرند و درها و بازارهایی تازه به روی هنر خاورمیانه گشوده شود.**

### ■ سهم یک چهارمی ایران

کریستیز خاورمیانه آثار هنری ایرانی را به همراه یازده کشور عربی و ترکیه پوشش می‌دهد و در این میان همواره برای ارائه آثار، سهمی ۲۵ درصدی برای هنر ایران قائل بوده است که در مقایسه با دیگر کشورها گاهی سهمی دوبرابر بوده است؛ اما در این دوره حراجی هم به جهت نمایش و فروش در لندن و هم به خاطر محدودیت فضای نمایشگاهی در شو‌روم، امکان عرضه ۵۷ نقاشی و مجسمه فراهم بود و از میان این ۱۴ آثار کار ایرانی روی میز حراج رفت؛ علاوه بر آن آثاری از ۴۴ هنرمند معاصر ایران، عراق، فلسطین، لبنان، مصر، سوریه و امارات چکش خوردند. آثار ۱۳ هنرمند ایرانی در این دوره از حراج شرکت داشتند که در این میان پرویز تناولی و فرهاد مشیری با دواثر حضور داشته و سایر هنرمندانی که دواثر از آنها در این حراجی شرکت دارد؛ فاتح مدرس از سوریه، خفید الدروی از عراق، رامس یونان از مصر، آدم حنین از مصر، شاکر حسن السعید از عراق، شفیق عبود از لبنان و عبدالقادر الریاس از امارات هستند؛ اما رکورد تعداد آثار در این دوره در دست محمود سعید، هنرمند فقید مصری است که چهار اثر از او در بیست‌وسومین حراج خاورمیانه چکش خورد.

### ■ برآورد قیمت هانختسین وزن کشی

درست است که سنجش هر حراجی به میزان فروش آن است و هنرمند موفق آن است که بفروشد و بالاتر بفروشد. اما سنگ محه مهم دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند متضمن فروش‌های بعدی هنرمند شود؛ این معرعه بازار «برآورد قیمت» است بخصوص که حراجی به اعتبار دوره یا کریستیز آن را تعیین کند؛ به همین سبب کارشناسان این عرصه حتی بعد از فروش یک اثر، برآورد کمینه و بیشینه آن را چک می‌کنند تا راز هنرمند در مارکت هنر را بیابند. با این مقدمه از برآورد قیمت‌ها در بیست و سومین دوره کریستیز هم پیداست که هنر ایران چه موقعیت ممتازی در منطقه دارد. در میان گران‌ترین برآوردهای این دوره از حراج، ایرانی‌ها سهم چشمگیری دارند؛ کم‌اینکه بالاترین تخمین‌ها برای یک اثر از بهمن محمص و یک هنرمند عراقی در نظر گرفته شده است.

اثر متفاوت محمص با عنوان «اتیرسیا چیز زیادی در مورد آینده نمی‌دانست» تا ۴۶۰ هزار دلار قیمت‌گذاری و در کنارش اثری از جواد سلیم هنرمند فقید عراقی با نام «فروشنده هندوانه» هم همین اندازه پیشنهاد شد. یکی دیگر از بالاترین برآوردهای این حراجی به اثر حسین زنده‌رودی تعلق داشت: ۲۰۰ هزار دلار که البته شفیق عبود هنرمند

که در میان رکوردداران این دوره حراج تنها هنرمند در قید حیات بود. فرهاد مشیری با اثر «کاسه شناور» به همراه دو هنرمند مصری و سوری در جایگاه ششم، علی بنی صدر با اثر «پس‌وانش» به همراه یک هنرمند سوری در جایگاه هفتم، منیر فرمانفرمایان با اثر «تپش قلب» در جایگاه هشتم و منوچهر یکتایی با اثر بدون عنوان خود در جایگاه دهم رکوردداران این دوره از حراج کریستیز خاورمیانه قرار گرفتند. در حراج ۲۵ اکتبر کریستیز خاورمیانه دواثر پرویز تناولی از مجموعه «هیج»‌های این هنرمند به قیمت ۲۰۰ هزار پوند و ۳۵ هزار پوند به فروش رسید. اثر فرهاد مشیری نیز ۱۷۵ هزار پوند چکش خورد و اثر علی بنی صدر نیز ۱۵۰ هزار پوند فروش رفت. اثر منیر فرمانفرمایان نیز ۱۱۲۵۰۰ پوند و اثر منوچهر یکتایی نیز ۶۳۷۵۰ پوند چکش خوردند. اثری از سهراب سپهری نیز به قیمت ۸۷۵۰۰ پوند به فروش رسید و آثار نصرالله افجه‌ای و رضا درخشانی نیز هر دو ۶۲۵۰۰ پوند چکش خوردند. اثر کورش نیشه‌گران نیز ۳۲۵۰۰ پوند فروش رفت.

### ■ ایاد دفتر کریستیز دویی بسته شده است؟

با اعلام برگزاری حراج آثار هنر مدرن و معاصر خاورمیانه در لندن، این زمزمه پچید که آیا دفتر کریستیز در دویی بسته شده است؟ چنین اتفاقی می‌تواند یک نقطه منفی بزرگ برای آثار نوپا منطقه باشد اما این شایعه خیلی زود تکذیب شده است و منابع موثق به «ایران» خبر داده‌اند دفتر کریستیز دویی دایر خواهد بود و اتفاقاً در آستانه نوروز ایرانیان، بیست و چهارمین کریستیز خاورمیانه را در همان دویی، هتل امارات تاورز برگزار می‌کند.

«مایکل جی‌ها»، رئیس کریستیز خاورمیانه، پیش از این در پاسخ به شایعه تعطیلی دفتر این حراجی در دویی گفته بود: «هیج وقت فکر بسته شدن دفتر دویی به ذهن‌مان خطور نکرده است؛ ما حتی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ در اوج رکود ۴ تا ۵ میلیون دلار فروش داشتیم؛ آن موقع حتی حراج ساعت‌ها را هم نداشتیم که الان خود این ساعت‌ها دارند ۱۵-۱۰ میلیون دلار می‌فروشند. در دل بحران هم فکر نمی‌کردیم جمع کنیم و برویم؛ از اول آمدیم که ما بنایم و می‌مانیم؛ اکنون که خیال‌مان هم راحت است زیرا اطمینان منطقه را داریم و کاملاً اثبات شده‌ایم بقیین باید این هستیم.»

این رئیس جوان لبنانی بزرگ شده لندن ۱۸ سال پیش همکاری‌اش با حراج خانه کریستیز را آغاز کرد؛ یک سال در دپارتمان‌های مختلف کریستیز دوره دید و هفت سال در خصوص ارزیابی آثار هنری مهم‌ترین کلکسیون‌های هنری اروپا را مرور و در زمینه قیمت‌گذاری دوره‌های تخصصی گذراند؛ ابتدا رئیس بخش مدیریت دپارتمان کریستیز خاورمیانه شد و چون فاینانس خوانده بود در کریستیز دویی هم رئیس است و هم بخش بیزینس و هنری را اداره می‌کند. جالب است که او سال ۲۰۰۵ بنیزینس پلن این پروژه را نوشت و از سال ۲۰۰۶ با راه‌اندازی کریستیز خاورمیانه مدیریت بخش آن را به عهده دارد. او با این پیشینه می‌گوید: «بدیهی است در آغاز به کار دفتر نمی‌داشتیم بازار هنر منطقه‌چطور است و در عمل چه جوابی می‌گیریم؛ اما به‌نحدم به‌اثر «عشاق ایستاده» پرویز تناولی با فروش ۲۰۰ هزار پوند اختصاص داشت

کارمان است. لحظه‌ای که در سال ۲۰۰۸ دیوار پر سبیلوس آقای تناولی ۸/۲ میلیون دلار در کریستیز دویی چکش خورد و رکورد فروش یک اثر هنری در خاورمیانه شد؛ آن لحظه بزرگ و عظیمی بود. سال ۲۰۱۰ به خاطر رکود اقتصادی فراگیر بین‌المللی، میزان فروش‌مان خیلی مهم بود که خوشبختانه خیلی موفق بودیم و این موفقیت دامنه‌دار بود و هست؛ حتی در بحرانی‌ترین وضع اقتصادی؛ در این مدت خیلی‌ها رها کردند و رفتند ولی ما جلو آمدیم، مثل یک کشتی، هم اعتبارمان را حفظ کردیم و هم سر بلند شدیم. اثبات کردیم هنر منطقه ظرفیت بالایی دارد.»

**■ افت بازار هنر در منطقه؟**  
کارشناسان بازار هنر معتقدند نبض فروش آثار هنری این روزها در منطقه منظم نیست، و چه خوب که با انتقال هوشمندانه این دوره حراج به لندن، اجازه یک تنفس به مارکت داده شد؛ گفته می‌شود التهابات منطقه‌ای، سایه داعش و جنگ بر کشورهای خاورمیانه و صد البته رکود دامنه دار بازارهای منطقه

آثار ایرانی را عرب‌ها می‌خرند؛ و بگذارید خبری خوب به شما بدهم در دو سال گذشته شاهدیم ایرانی‌ها کار عرب‌ها را می‌خرند؛ به نظر خیلی اتفاق مهمی است و شدت امیدواریم این مهم تبدیل به یک رویه شود.» اکنون ممکن است فرایگر بین‌المللی، میزان فروش‌مان به اروپا و امریکا توسعه دهد و بساط این شایعات را برچیند.

### ■ خاورمیانه مهم است، هنرش هم مهم است

نفت، خاورمیانه را برای همیشه آبستن حوادث مختلف کرده است و سایه شوم جنگ در چند کشور منطقه گویای آن است؛ در یک دهه اخیر تلاش‌هایی صورت گرفت تا تصویری متفاوت‌تر از خاورمیانه به دنیا مخابره شود و چه تصویری گویاتر از هنر؛ چنانکه رئیس کریستیز دویی نیز گفت حوالی سال ۲۰۰۶ بسیاری از دپلرها و مجموعه‌داران با حیرت می‌پرسیدند مگر خاورمیانه، هنر هم دارد؟ حالا بعد از یک دهه، شاید لندن و نردبان حراج هنر کریستیز غنای فرهنگ و هنر در این نقطه حساس

### ■ کریستیز در حراج نوپرانه‌اش در لندن ترجیح داده دور هنرمندان جوان خط بکشد. این در حالی است که تا همین ۲ سال پیش این حراجی، طیفی گسترده از هنرمندان جوان منطقه را معرفی کرد

**■ کریستیز خاورمیانه آثار هنری ایرانی را به همراه یازده کشور عربی و ترکیه پوشش می‌دهد و در این میان همواره برای ارائه آثار، سهمی ۲۵ درصدی برای هنر ایران قائل بوده است که در مقایسه با دیگر کشورها گاهی سهمی دوبرابر بوده است**



### نیم نگاه

کره خاکی را به دنیا گوشزد کند؛ و در این میان کیفیت درجه یک هنر ایران و فاصله بسیار کیفی با کشورهای همسایه یک مزیت آشکار است که در صورت بهره‌مندی از تبلیغات درست، ارائه شایسته و بازاریابی حرفه‌ای می‌تواند راهی را در پیش گیرد که در همین ۱۰ سال چین در پیش گرفت و به رکوردهای خیره کننده جهانی دست یافت.

### ■ عرب‌ها ایرانی نمی‌خرند؟

شایعه دیگر که مدت‌هاست در ایران شنیده می‌شود تاکید عرب‌ها بر نخردن آثار هنری ایرانی است، هر چند که مدیر کریستیز خاورمیانه آن را تأیید نمی‌کند؛ «ایران کاملاً برعکس است. در تمام این مدت عرب‌ها کار ایرانی‌ها را خریده‌اند. این ایرانی‌ها هستند که هرگز کار عرب‌ها را نمی‌خرند؛ البته کار از ارشدن کریستیز این است که به لطف هنر، تمام خاورمیانه هنرمندان جوان منطقه را معرفی کرد. احتمالاً ثبات داشتن جوانان در مارکت هنر منطقه سبب شده آنها در این دوره خاص از حراج همه‌هم و غم خود را در عرضه‌هنرمندان پیشکسوت ببینند. مایکل جی‌ها در این باره گفته: «کلکتورهای‌مان فکر می‌کردند که ما بیش از اندازه هنرمندان جوان را در حراج عرضه می‌کنیم؛ کلکتورها می‌گفتند کریستیز باید هنرمندانی را بیابود که در جاهای مختلف نمایشگاه گذاشته و در

### آثار هنر معاصر گاه با یک مدرنیستی زیاد است.

شاید دنیا به همین واقعیت بیرونی است که کریستیز در لندن روی هنر مدرن خاورمیانه تمرکز دارد و تر جیح داده این بخش از هنر منطقه را نادیده انگارد. **■ بونامز، ساتنیز و کریستیز**  
جالب اینجاست که مثلث معتبرترین حراجی‌های بین‌المللی بونامز، ساتنیز و کریستیز که روی هنر خاورمیانه کار می‌کنند در همین چند روز در لندن حراجی برگزار می‌کنند. بونامز ابتدا هفته، ساتنیز دوشنبه شب و عصر چهارشنبه کریستیز. باید دید آیا لندن می‌تواند به سکوی پرشی برای هنر ایران و خاورمیانه بدل شود و خریداران تازه را به این سوجلب کند؛ نگاهی به «ساتنیز» تا حدی این گمانه را افزایش می‌دهد.

**■ ساتنیز و حضور رنگ‌رنگ ایرانیان**  
حراج آثار قرن بیستم خاورمیانه ساتنیز با ارائه ۵۷ اثر در لندن برگزار شد و آثار ۱۶ هنرمند معاصر ایران در این حراج چکش خوردند. حراج ساتنیز لندن جمعاً به مبلغ فروش کل ۲,۷۴۵,۰۰۰ دلار به پایان رسید. در حالی این رقم برای ۵۷ اثر ثبت شد که ۱۹ اثر آن ایرانی و به مبلغ ۱,۵۸۰,۰۰۰ دلار بود که بیش از ۶۰ درصد

فروش حراج به آثار هنرمندان ایرانی اختصاص داشت.

در این حراج ۲۰ اثر از ۱۶ هنرمند معاصر ایران از جمله سهراب سپهری، منوچهر یکتایی، بهمن محمص، حسین کاظمی، ناصر صهار، حسین زنده‌رودی، منیر فرمانفرمایان، پرویز کلا تری، بهجت صدر، فرهاد مشیری، رکنی حائری‌زاده، عذرا حقیقی بخشایش، اردشیر محمص، قاسم حاجی‌زاده، طلا مدنی و حسین خسروچردی چکش خوردند.

در این دوره از حراج ساتنیز رکوردهای اول تا پنجم حراج بیشتر به آثار هنرمندان ایران اختصاص داشت، اثر سهراب سپهری از مجموعه تنه‌درخت‌ها با فروش ۳۶۰ هزار دلاری خود رکورد دوی شد و پس از آن اثر محمود مختار مصری ۲۹۷ هزار دلار در جایگاه دوم قرار گرفت. اثر بهمن محمص ۲۸۰ هزار و ۵۰۰ دلار در جایگاه سوم، اثر حسین زنده‌رودی ۲۴۴ هزار دلار در جایگاه چهارم و اثر منوچهر یکتایی و دو اثر فرهاد مشیری هر سه به قیمت ۱۱۵ هزار و ۵۰۰ دلار در جایگاه پنجم، در میان رکوردداران این دوره حراج ساتنیز قرار گرفتند.

اثر دیگری از سهراب سپهری در این حراج به قیمت ۷۴ هزار و ۲۵۰ دلار، اثر منیر فرمانفرمایان ۵۷ هزار و ۷۵۰ دلار، اثر دیگری از منوچهر یکتایی ۳۸ هزار دلار، اثر حسین خسروچردی ۲۹ هزار و ۷۰۰ دلار و اثر طلا مدنی ۲۴ هزار و ۷۵۰ دلار چکش خوردند؛ همچنین اثر ناصر عصار ۸۰ هزار و ۸۰ دلار، اثر عذرا حقیقی بخشایش ۱۸ هزار و ۱۵۰ دلار، دو اثر بهجت صدر به قیمت ۱۶ هزار و ۵۰۰ دلار و ۱۴ هزار دلار، اثر رکنی حائری‌زاده ۱۳ هزار و ۲۰۰ دلار، اثر حسین کاظمی ۹ هزار و ۹۰۰ دلار و آثار پرویز کلا تری و اردشیر محمص نیز به هزار و ۶۰۰ دلار چکش خوردند. این در حالی است که اثر قاسم حاجی‌زاده در این حراج فروش نرفت.



### گزارش

## رونمایی از کتاب آثار هوشنگ پژشک‌نیا

چهل و پنج سال پس از درگذشت هوشنگ پژشک‌نیا، از هنرمندان نسل اول مدرنیسم ایران، گالری شهرویر نمایشگاهی از آثار این هنرمند فقید را بر پا کرد و همزمان کتابی از آثار او با نام «همسفر باد» توسط نشر نظر منتشر شده است. در این نمایشگاه حدود ۳۰ اثر از پژشک‌نیا نمایش داده شده که توسط خانواده هنرمند و مجموعه‌داران در اختیار این گالری قرار گرفته است.

رضی میری، از اعضای خانواده پژشک‌نیا، در مورد نحوه شکل‌گیری این نمایشگاه گفت: محمود رضا بهمن‌پور مدیر نشر نظر کتابی از آثار هوشنگ پژشک‌نیا را محمود کرده و همزمان گالری شهرویر علاقه‌مند شد که با توجه به اینکه سال‌ها نمایشگاهی از آثار پژشک‌نیا برگزار شده بود چنین کاری را انجام دهد. این موضوع را با ما مطرح کردند و در نهایت این نمایشگاه شکل گرفت.

رضی میری، رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق بازرگانی ایران، در مورد آثار باقی‌مانده از پژشک‌نیا گفت: پژشک‌نیا سه دختر و یک پسر داشت و آثارش پس از مرگ بین این ۴ فرزند تقسیم شد. تعدادی از این آثار در طول سال‌ها فروخته شد ولی همسر من هیچ کدام از تابلوها را نفروخت و تمام مجموعه خود را حفظ کرد. اما با توجه به اینکه می‌خواستیم فعالیت پژشک‌نیا در ژانرهای مختلف دیده شود، بخش کوچکی از مجموعه همسر من من انتخاب شد و در کنار آن از مجموعه‌داران مختلف دعوت شد تا آثاری را که در اختیار دارند به ما امانت دهند. در نهایت با ۸۰ درصد آنها توافق شد و تابلوها را برای عکاسی در اختیار ما قرار دادند تا کتابی که منتشر شده، جامعیتی از آثار پژشک‌نیا را داشته باشد.

میری ادامه داد: هوشنگ پژشک‌نیا یکی از نقاشان بسیار پر کار بود و با همه کوششی که انجام دادیم، آنچه در کتاب وجود دارد حدود یک چهارم مجموع آثار او است. با وجود این موضوع، کتاب بسیار جامعی تهیه شده که نمونه‌های مختلف از آثار او را در برمی‌گیرد. در نمایشگاه نیز با توجه به کمبود فضا نتوانستیم آثار بیشتری را نمایش دهیم و آنچه نمایش داده شده از آثار مجموعه همسر من و چند مجموعه‌دار دیگر است.

او در مورد شرایط فیزیکی این آثار و کیفیت نگهداری آنها گفت: از سال ۱۳۵۱ که پژشک‌نیا درگذشت، نگهداری این آثار تا به حال بسیار مشکل بود. ما تلاش کردیم بخشی از آثار که در خانواده ما نگهداری می‌شد را به همان شکل روز اول نگهداری کنیم. در مجموع آثاری که از پژشک‌نیا دیدیم هم بیش از ۸۰ درصد آثار هیچ مشکلی ندارد و اگر هم آسیبی وارد شده به حاشیه‌های کار بوده است.

میری ادامه داد: تعداد محدودی از آثار در این نمایشگاه برای فروش ارائه شد و بیشتر مجموعه‌داران تمایلی به فروش آثار نداشتند. هدف از این نمایشگاه انجام یک کار فرهنگی برای بزرگداشت یکی از پیشگامان نقاشی مدرن بود که حق او در این سال‌ها ادا نشده است. نشر نظر کتاب بسیار ارزنده‌ای چاپ کرده و آثار با بهترین سیستم عکاسی شده است. در مورد چاپ کتاب هم بهترین کیفیت ممکن وجود دارد و در رنگ‌ها بسیار نزدیک به رنگ واقعی است.